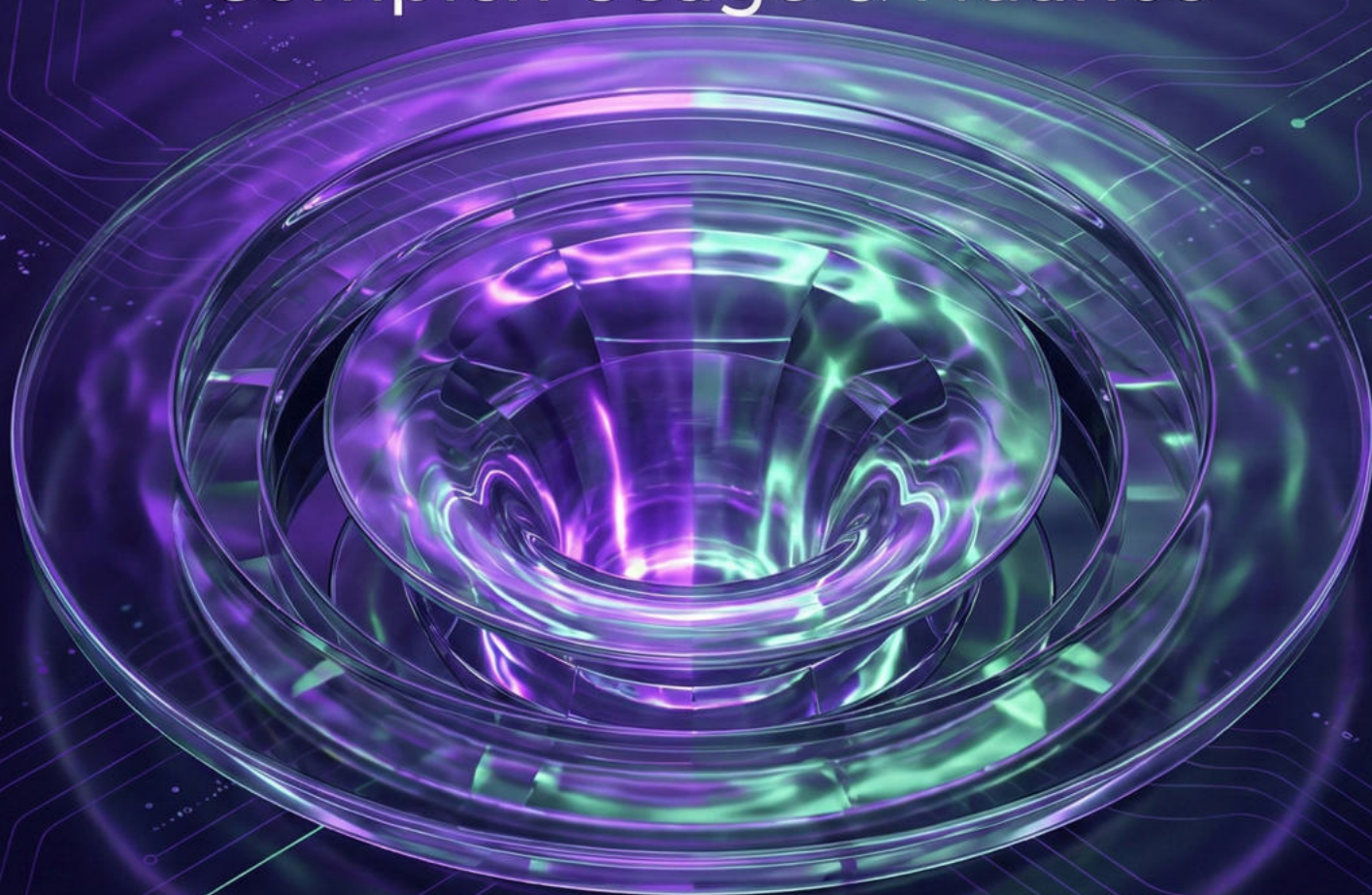
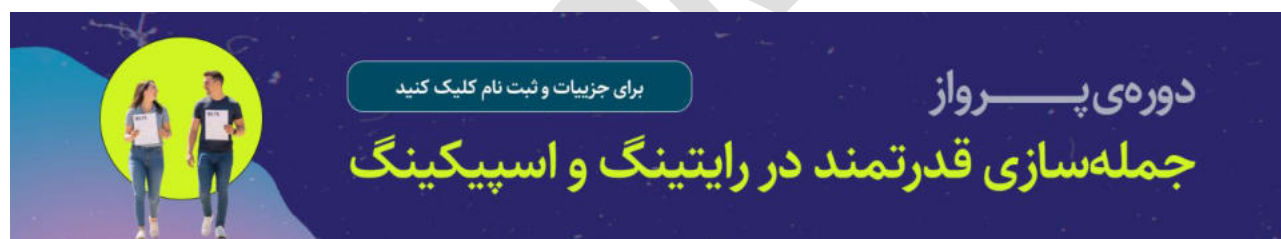


AWL SUBLIST 7

Complex Usage & Nuance



کلیک کنید تا محصولات و خدمات آیلتس لمون را ببینید:



همنشین‌ها

- Adapt to change**
سازگاری با تغییرات
- Film adaptation**
اقتباس سینمایی
- Highly adaptable**
بسیار انعطاف‌پذیر

ابعاد معنایی

۱. سازگار شدن / وفق دادن (Adjust)
Adapt to the new climate.
۲. اقتباس کردن (Book to Film)
The movie was adapted from a novel.

کاربرد در موقعیت

دایناسورها منقرض شدند چون نتوانستند **adapt** (سازگار) شوند. اگر کتابی را فیلم کنند، به آن **adaptation** می‌گویند. وقتی به کشور جدیدی می‌روید، باید خود را با فرهنگ آنجا **adapt** (وفق) دهید.

چالش ترجمه و تحلیل

We must adapt to changing conditions.	۱. ما باید خودمان را با شرایط متغیر وفق دهیم.
This film is adapted from a true story.	۲. این فیلم اقتباسی از یک داستان واقعی است.
She is very adaptable .	۳. او خیلی سازگار (انعطاف‌پذیر) است.
Animals adapt to their environment.	۴. حیوانات با محیط خود سازگار می‌شوند.
A faithful adaptation of the book.	۵. اقتباس وفادارانه (دقیق) از کتاب.
Power adapter .	۶. آداپتور برق (مبدل).
It is hard to readapt .	۷. سخت است که دوباره عادت کنی (سازگار شوی).
Adaptability .	۸. توانایی سازگاری.

What was your hardest adaptation?

سخت‌ترین تغییری که مجبور شدید خود را با آن "Adapt" (سازگار) کنید چه بود؟

مأموریت نهایی

همنشین‌ها

Young adult

جوان (نوجوان بزرگ)

Adult education

آموزش بزرگسالان

Enter adulthood

وارد بزرگسالی شدن

ابعاد معنایی

۱. بزرگسال / بالغ (Grown-up)

Tickets are \$10 for adults.

۲. بالغانه (Mature behavior)

Let's have an adult conversation.

کاربرد در موقعیت

در قانون، معمولاً بالای ۱۸ سال **adult** محسوب می‌شود. اصطلاح جدید **Adulting** (به عنوان فعل) یعنی انجام کارهای مسئولانه مثل پرداخت قبض و آشپزی، که جوان‌ها معمولاً از سخت بودن آن شکایت دارند: "Adulting is hard!"

چالش ترجمه و تحلیل

His behavior was very adult .	۱. رفتار او خیلی بزرگسالانه (بالغ) بود.
Entering adulthood .	۲. ورود به دنیای بزرگسالی.
Young adult (YA) fiction.	۳. ادبیات جوانان (نوجوانان بزرگ).
Adult movie.	۴. فیلم مخصوص بزرگسالان (بالای ۱۸).
Adults only.	۵. فقط بزرگسالان.
Adult stem cells.	۶. سلول‌های بنیادی بزرگسالان.
Adulting .	۷. (عامیانه) کارهای آدم بزرگ را رو کردن (مثل قبض دادن).
Adult butterfly.	۸. پروانه بالغ (نه کرم).

What is the hardest part of adulting?

سخت‌ترین بخش "Adulting" (زندگی بزرگسالی) برای شما چیست؟

مأموریت نهایی

تلفظ متفاوت:

Noun (طرفدار): /kət-/ (آخرش کوتاه: ادوکیّت).
Verb (دفاع کردن): /kert-/ (آخرش بلند: ادوکیّت).

همنشین‌ها

Devil's advocate

وکیل مدافع شیطان (مخالف‌خوانی عمدی)

Strong advocate

طرفدار سرسخت

Advocate for

حمایت کردن از

معانی اصلی

۱. دفاع کردن / حمایت کردن (Verb)

He advocates higher salaries.

۲. طرفدار / وکیل مدافع (Noun)

An advocate for animal rights.

کاربرد در موقعیت

در بحث‌ها، اگر کسی فقط برای اینکه بحث داغ شود مخالفت کند (حتی اگر موافق باشد)، نقش **Devil's advocate** را بازی می‌کند. فعالان محیط زیست **advocate** (طرفداری می‌کنند) از انرژی پاک. وکلا در دادگاه **advocate** (مدافع) موکل خود هستند.

چالش ترجمه و تحلیل

She is an advocate for women's rights.	۱. او طرفدار (مدافع) حقوق زنان است.
I'm playing devil's advocate .	۲. من دارم نقش وکیل مدافع شیطان را بازی می‌کنم.
The doctor advocated a lifestyle change.	۳. دکتر تغییر سبک زندگی را توصیه (حمایت) کرد.
Advocacy groups.	۴. گروه‌های طرفداری (حمایتی).
He publicly advocated violence.	۵. او علناً از خشونت حمایت کرد.
A strong advocate of peace.	۶. طرفدار سرسخت صلح.
Child advocacy .	۷. دفاع از حقوق کودکان.
Advocate .	۸. (حقوقی) وکیل دادگستری (در اسکاتلند/آفریقای جنوبی).

مأموریت نهایی

What do you strongly advocate for?

شما "Advocate" (طرفدار سفت و سخت) چه ایده‌ای در زندگی هستید؟
 (گیاهخواری؟ ورزش؟)